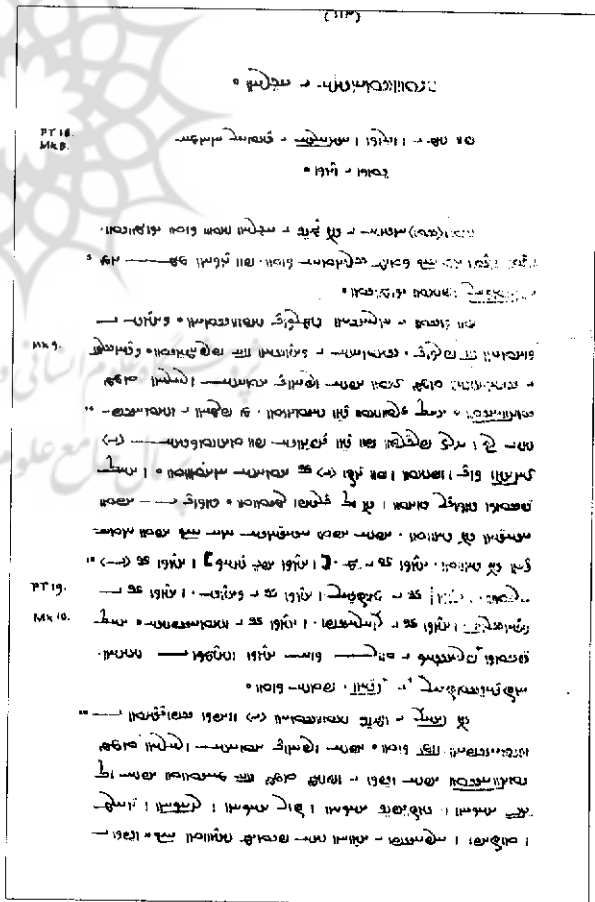


کهن‌ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان

دکتر اردشیر خدادادیان
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

کتاب کم حجم «شهرستان‌های ایران» که ترجمه و مفهوم امروزی آن «شهرهای ایران» است، از آثار مکتوب، ارزشمند و به جا مانده از عصر ساسانیان است. برخی از پژوهشگران بر این باورند که: «این کتاب نیز مؤلفان یا به سخن دیگر، نویسندگان متعدّد داشته و در طول تاریخ ایران پیش از اسلام به تدریج سطوری و برگی بر آن افزوده شده و سرنوشتی همانند خداینامه (خواتینامگ) داشته است.» این کتاب فهرستی از شهرستان‌های (شهرهای) ایران را دربردارد که حدود یکصد و ده شهرستان را به طور واضح می‌توان در آن مشخص کرد. در این کتاب، مکان جغرافیایی شهرها و بنیانگذاران آن‌ها و نیز تأسیسات و بناها و پل‌هایی که در آن‌ها احداث شده است، معرفی شده‌اند. محتوای این کتاب، حکایت از آن دارد که بیش تر شهرهایی که در این متن نه‌چندان گسترده و حجیم آمده، به دست شاهان ساسانی ساخته و پرداخته شده است. آخرین شهری که در این کتاب از آن نام برده شده، شهر بغداد می‌باشد که به استناد این متن به دستور ابوغفار منصور، خلیفه دوم سلسله عباسی بنا شده است. در دوران اسلامی - آن‌گونه که در مقالات، کتاب‌ها و نوشته‌های دیگر آوردیم - بسیاری از آثار مکتوب متعلق به ایران باستان، پس از سقوط سلسله ساسانی و در دوران اسلامی انتشار یافتند که از آن جمله می‌توان از نوشته جغرافیای تاریخی شهرستان‌های ایران نام برد. بنا به پژوهش‌های ایران‌شناسان، این نوشته حدود صد و بیست تا یکصد و بیست و سه سال پس از فروپاشی دولت ساسانی - که در سال ۶۵۲ میلادی روی داد - یعنی در سال ۷۷۵ میلادی ویرایش و منتشر شد^۱. صاحب نظران، این اثر را یکی از ارزشمندترین آثار به جا مانده از ایران پیش از اسلام دانسته‌اند. هرچند این متن کم‌تر از هر متن دیگری که به زبان پهلوی ساسانی است، دچار آسیب دیدگی و خدشه شده است، ولی در برخی موارد، نام‌های شهرها و اماکن و



نیز اشخاص کاملاً واضح و مشخص نیست. البته این گونه موارد بسیار اندک است و لطمه چندانی به اصل، مفهوم و محتوای نوشته جغرافیای تاریخی شهرستان های ایران وارد نمی کند. هنریک ساموئل نیبرگ^۳، خاورشناس، دین شناس و پهلوی دان برجسته سده بیستم میلادی در کتاب خود تحت عنوان "A Manual of Pahlavi" که در سال ۱۹۶۴ م در شهر ویسبادن^۴ آلمان در چاپخانه معروف اتوهاراسوتیس^۵ به چاپ رسانده، به تشخیص خود و بنا به اقتضای خلأهای به وجود آمده، در متن اصلاحاتی کرده و این گونه خلأها را در حد قابل توجه و عالمانه و درست پر کرده است تا پژوهشگران و مترجمان دچار سردرگمی و ابهام نشوند. این گونه اصلاحات به تشخیص این دانشمند برجسته و پرتلاش در صفحات ۱۱۳، در سطرهای دوم، پنجم، نهم، چهاردهم و نوزدهم و در صفحه ۱۱۴ در سطرهای دوم، دوازدهم و بیست و چهارم و به همین ترتیب در صفحات یکصد و پانزده و یکصد و شانزده و یکصد و هفده می توان ملاحظه و مشاهده کرد. وی در حاشیه این صفحات و سطور مشمول اصلاحات، به اصل دستنوشته^۶ و محل دقیق خلأ و آسیب دیدگی اشاره کرده است. شماری دیگر از پژوهشگران و ایران شناسان اروپایی و ایرانی نیز به تحقیق درباره پیشینه نگارش، تدوین و انتشار این نوشته پرازش پرداخته اند که در ادامه نمونه های معدودی از آن ها را می آوریم.

متن شهرستان های ایران، نوعی رساله جغرافیای تاریخی است که دربرگیرنده شرح و وصف و چگونگی ساختن شماری از شهرهای مهم ایران باستان است که هر یک از آن ها به نوعی پایگاه سیاسی و از ارکان اقتصادی و مراکز نظامی و فرهنگی در ایران پیش از اسلام بوده اند. این شهرها و مراکز و پایگاه ها همراه با تأسیسات آن ها، ثمره تلاش و همت فرمانروایان و زمامداران ایران در مقاطع تاریخی پیش از اسلام و حتی در مقاطع حاکمیت سلسله های اساطیری شرقی ایران مانند پیشدادیان و کیانیان است. پژوهشگران نتیجه تحقیقات خود را این گونه به دست داده اند که: «در مجموع، افزون بر شهرهایی که به وضوح می توان پیشینه آن ها را ردیابی کرد، نام پنجاه و چهار شهر بزرگ در این متن به چشم نمی خورد و یا به سخن دیگر، از قلم افتاده است.»

مؤلف و یا گردآورنده و تدوین کننده آن، همانند شماری دیگر از متون پهلوی مربوط به ایران عهد میانه نامشخص است؛ ولی پاره ای اطلاعات در این متن وجود دارد که محققان را به سرچشمه زمانی نگارش آن نزدیک تر و امیدوارتر کرده است. از آن جمله آمده است:

۱. «خلیفه ابومنصور، ملقب به ابوالدوانیق به استناد شصت و یکمین بند متن، بنا کننده شهر بغداد بوده است.»
به این ترتیب، محققان، زمان گردآوری و سامان یابی متن را حدود هشتصد سال پس از میلاد مسیح دانسته اند؛ زیرا خلیفه

ابوجعفر^۷ در سال ۷۵۴ میلادی به تخت خلافت عباسیان نشسته است. گفتنی است که بی تردید بعد از این زمان، مطالبی به متن اضافه شده است و در نتیجه آن متن با متن اصلی تفاوت هایی پیدا کرده است. به نظر می رسد که گردآورنده و سامان دهنده این رساله، از متن ها و نوشته های کهن تری بهره جسته و متون مورد استفاده آن ها از متن هایی که حکیم ابوالقاسم فردوسی و دقیقی دو شاعر برجسته و نامدار، در دست داشته اند، استفاده کرده بوده است.

در بند سی و پنجم این متن، درباره نبرد میان گودرز^۸ و پیران^۹ و به کارگیری نام های کهن ایرانی و تورانی مانند «خبون»^{۱۰} (در بند نهم) و «توریا»^{۱۱}، که هماهنگی و انطباق دقیقی با نوشته های پهلوی «دینکرت»^{۱۲} و «یادگار زیران»^{۱۳} دارد، به چشم می خورد. از سوی، این حقیقت را نیز باید در نظر گرفت که پاره ای اضافات، اصطلاحات و الحاقات متعلق به سده های ششم و هفتم میلادی می باشد.

این نوشته نخستین بار به وسیله ادگار بلوشه^{۱۴}، پژوهشگر فرانسوی به چاپ رسیده است و سپس جیمز دارمستتر^{۱۵}، دیگر خاورشناس، ایران شناس و دین شناس فرانسوی به این اثر پرداخته است. دارمستتر درباره یک شهبانوی ساسانی به نام شوشین دخت^{۱۶} که همسر یهودی الاصل یزدگرد یکم، پادشاه ساسانی- که از سال ۳۹۹ تا ۴۲۰ میلادی زمامدار- بود به دو بند این نوشته اشاره کرده است. نقد و بررسی انتقادی این متن توسط یک پارسی هندی به نام جاماسپ جی منوچهر جی جاماسپ آسانا به همراه برخی دیگر از متون پهلوی در سال ۱۸۹۷ میلادی در شهر بمبئی به چاپ رسیده است. در وایسین سال سده نوزدهم میلادی، یعنی در سال ۱۸۹۹، سه سال پس از انتشار مجموعه پیشین هندی، پژوهشگر دیگری به نام سراروند جیوانجی جمشید جی مئی^{۱۸} که به او لقب شمس العلماء داده اند، اصل متن را همراه با ترجمه های آن به زبان های گجراتی و انگلیسی همراه با توضیحات و بررسی هایی درباره وضعیت شهرها و اماکنی که در متن آمده است و جایابی تقریبی کنونی آن ها در قلمرو جغرافیای ایران، انتشار داد.

متنی که هم اکنون در دست پژوهشگران، ایران شناسان و پهلوی دانان است، از روی نسخه انتقادی- تطبیقی با متن دستنوشته به خط پهلوی ساسانی و ترجمه انگلیسی و حواشی، توضیحات و اضافات درباره شهرستان های ایران تألیف روزف مارکوارت^{۱۹} تنظیم شده است. این اثر مارکوارت در سال ۱۹۳۱ میلادی توسط مسینا در مجموعه شرق شناسی "Analecta Orientalia" (در مجموعه سوم با همان شماره) به چاپ رسیده که توسط صادق هدایت به فارسی ترجمه شده است. پژوهشگران از نظر جغرافیایی و مطالعات اساطیری و افسانه ای در قالب فرهنگ های داستانی ایرانی نیز این نوشته را واجد ارزش پژوهش می دانند.

در ادامه، نمونه هایی از آگاهی هایی را که در این متن درباره

چگونگی ساخته و پرداخته شدن شهرهای ایران باستان آمده است، ذکر می کنیم:

شهرستان هایی (شهرهایی) را که در روزگاران پیشین در کشور ایران (ایران شهر) ساخته شده است، به تفکیک (جدا جدا) بینیم که کدام فرمانروا آن ها را ساخته است:

الف: در حاشیه خراسان (خاوران = مشرق)

۱. در حاشیه خراسان، کاووس پورکواد (کیکاوس پسر کیقباد)^{۲۰} شهر سمرقند را پی افکند و سیاوش پورکاووس^{۲۱} بنای آن را به فرجام رساند.

۲. کیخسرو پورسیاوش در آن جا زاده شد و آتش نیرومند بهرام را در آن جا مستقر کرد (برپا کرد).

۳. پس از آن، زرتشت دین بیاورد و به فرمان گشتاسب شاه^{۲۲} (محتوای آن دین را) روی ۱۲۰۰ تخته زرین (لوحه طلایی) نگاشت و در گنجینه آن آتشگاه بنهاد.

۴. سپس نفرین شده اسکندر^{۲۳} رومی عملکرد دین (دینکرت) هفت خدایان را بسوزانید و خاکستر آن را به دریا ریخت.

۵. مراد از هفت خدایان، هفت فرمانروایانی هستند که در سمرقند بوده اند. یکی از آن ها جم، یکی ضحاک (اژی دهاک)، یکی از آن ها فریدون، یکی منوچهر، یکی کاووس (کیووس)، یکی کیخسرو، یکی از آن ها لهراسپ و یکی از آن ها نیز گشتاسب شاه (بود).

۶. سپس نفرین شده افراسیاب^{۲۴} تورانی، هر یک را پایگاه بغان (دیوان) و محل استقرار بت هایی از این دیوان کرد.

۷. در بلخ درخشان اسفندیار پورگشتاسب، شهرستان نوازک را ساخت.

۸. او آتش نیرومند بهرام را در آن جا مستقر کرد. وی نیزه خود را در آن جا فرو کرد و به شاه خونیان و سنجیک^{۲۵} خاقان و بیغو خان^{۲۶} و گوهرم^{۲۷} توزاوار جاسپ شاه خونیان پیام فرستاد که: «به نیزه من بنگرید! هر کس که به این نیزه بنگرد، چگونه تواند در ایرانشهر (سرزمین ایران) تاخت و تاز کند!»

۹. شهرستان خوارزم را نرسی^{۲۸} یهودی تبار (که مادرش یهودی بود) بنا کرد.

۱۰. شهر مرورود را بهرام پسر یزدگرد^{۲۹} ساخت.

۱۱. شهرستان مرو و شهرستان هرات (هریوا) را نفرین شده اسکندر رومی (یونانی) ساخت.

۱۲. شهرستان پوشنگ را شاپور پوراردشیر بنا کرد و بر آن پلی بزرگ به نام پل پوشینگ وزیر^{۳۰} ساخت.

۱۳. شهرستان توس را توس پور نوذر^{۳۱} ساخت که نهصد سال فرمانده سپاه بود. پس از توس، سپهبدی به زریر^{۳۲} و پس از زریر به بستور^{۳۳} و پس از بستور به کرزم^{۳۴} رسید.

۱۴. شهرستان نیشابور را شاپور پوراردشیر ساخت.

همان جایی که او پانیرک^{۳۵} (پهلیرک) تورانی را کشت و فرمود در همان جا آن شهر را بسازند.

۱۵. شهرستان قاین^{۳۶} را کی لهراسپ پدر کی گشتاسب بنا کرد.

۱۶. شهرستان قومس^{۳۷} (کومش) را که پنج بارو دارد، ضحاک پیشوای جادوگران ساخت. آن جا پایگاه پهلویان بود. یزدگرد پور شاپور در زمان پادشاهی خود در برابر تاخت و تاز چول^{۳۸} در آن سوی شهر، برج دیده بانی رفیعی ساخت.

۱۷. در گرگان، شهرستانی را که گیستان^{۳۹} (قهستان) خوانند، نرسی اشکانی ساخت.

ب: در سوی باختر (غرب)

۱۸. پنج شهرستان: خسروشاد^{۴۰}، خسرو مشت آباد^{۴۱} و ویسپ^{۴۲} شادخسرو، شادفرخ^{۴۳} خسرو و خسرو پور کواد^{۴۴} (خسرو یکم = انوشیروان) را بنا کردند و بر آن ها نام نهادند.

۱۹. او فرمود، در آن جا دیواری به درازی ۱۸۰ فرسنگ و به بلندی ۲۵ ارش شاه و یک کوشک و دستگرد بسازند.

۲۰. در سوی مغرب (به جانب خوربران = خورشید باران) شهرستان تیسفون را به فرمان توس گرازه گیپکان^{۴۵} (گرازه پورگیو) ساخت.

۲۱. شهرستان نصیبین را ورازه پورگیو^{۴۶} بنا کرد.

۲۲. شهرستان اورهه^{۴۷} (الرها، ادسا) را نرسی اشکانی^{۴۸} بنا کرد.

۲۳. شهرستان بابل^{۴۹} را بابل در عصر زمامداری جم ساخت.

۲۴. شهرستان حیره^{۵۰} (الحیره) را شاپور پسر اردشیر (شاپور یکم ۵۴۱-۵۷۲) ساخت و مهرزاد مرزبان^{۵۱} حیره را به ناحیه خلیج فارس گماشت.

۲۵. شهرستان همدان^{۵۲} را یزدگرد پسر شاپور (یزدگرد یکم ۳۹۹-۴۲۰) ساخت؛ که او را بزهاکار خوانند.

۲۶. در خطه ماد و جانب نهاوند^{۵۳} و دریاچه بهرام آوند، بهرام پسر یزدگرد یکم که او را گور خوانند، شهرستانی بنا کرد.

۲۷. بیست شهرستان در ناحیه پدشخوارگر^{۵۴} (تپشخوارگر) ساخته شد که به فرمان فریدون برای کوه نشینان بود. ایشان شهریاری کوهستان را از ضحاک به دست آورده بودند.

۲۸. فرمانروایان کوهستان هفت تن باشند: ویسمکان^{۵۵} دماوند، نهاوند، بیستون^{۵۶} (بهستون)، دئیران^{۵۷} (دنیور؟)، موسرکان^{۵۸}، بلوچان^{۵۹} و مرینجان^{۶۰}. این ها کسانی بودند که فرمانروایی بر کوهستان را از ضحاک ستدند.

۲۹. شهرستان موصل^{۶۱} را پیروز پسر شاپور بنا کرد.

۳۰. نه شهرستانی که در سرزمین جزیره ساخته شد، امتوس^{۶۲} برادرزاده قیصر ساخته است.

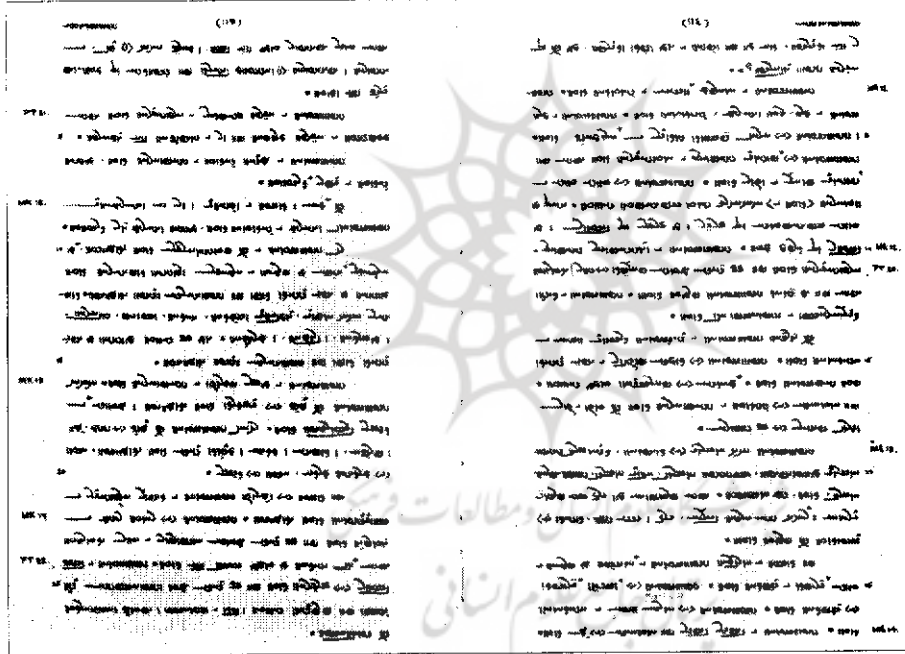
۳۱. بیست و چهار شهرستان که در سرزمین های شام، یمن،

افریقا و در منطقه کوفه و مکه و مدینه ساخته شده، برخی به وسیله قیصر بوده است.

۴۷. شهرستان نهر^{۶۶} تیره را ضحاک رهبر جادوگران در دوره حکومت ننگین خود ساخت و زندان ایرانشهر شد و نام آن زند و اشکانیان بود.
۴۸. شهرستان سمران^{۶۷} را فریدون پور توین ساخت. او مسور^{۶۸}، شاه سمران را کشت و سرزمین سمران را به ایرانشهر بازگردانید و ...
۴۹. شهرستان اراسپ^{۶۹} را شاپور پور اردشیر ساخت.
۵۰. شهرستان آشور که به اردشیر باشد، اردشیر پسر اسفندیار بنا کرد و اوشک^{۸۰} مرزبان هگر^{۸۱} را بر کرانه خلیج فارس بگماشت.
۵۱. شهرستان جی^{۸۲} (اصفهان) را نفرین شده اسکندر پور فیلیپ ساخت. جایگاه یهودیان آن جا بود. چه یزدگرد پسر شاپور به خواش زنش شوشین دخت^{۸۳} آنان را بدان جا برد.
۵۲. شهرستان ایران آسان کرت کواد^{۸۴} را کواذپور پیروز بنا کرد.

- ج: در ناحیه نیمروز (به جانب جنوب، سیستان)
۳۲. در سوی جنوب، شهرستان کابل را اردشیر پور اسفندیار ساخت.
۳۳. شهرستان رخوت^{۶۳} را رهام^{۶۴} پور گودرز بنا کرد و اسپورج^{۶۵} یاغی تورانی را کشت و بیغو خاقان را به ستوه آورد.
۳۴. شهرستان بست^{۶۶} را بستور پسر زایر بنا کرد. آن گاه گشتاسپ برای پرستش دین مزدایی بدان جا رفت و ...
۳۵. شهرستان فراه^{۶۷} و زابلستان را رستم شاه سیستان ساخت.
۳۶. شهرستان زرنگ^{۶۸} (سیستان) را نخست نفرین شده افراسیاب تورانی ساخت و آتش کرکوک را در آن جا نشانند. او منوچهر را به تپشخوارگر فرستاد ... این شهرستان به ویرانی گرایید و کیخسرو پور سیاوش این

شهرستان را دوباره ساخت و آتش کرکوک را مستقر کرد و اردشیر پسر پاک آن را به فرجام رساند.



۳۷. شهرستان کرمان را، کرمانشاه پیروزگر ساخت.
۳۸. شهرستان وه اردشیر^{۶۹} (به اردشیر) در کرمان را سه فرمانروا (پادشاه) بنا نهادند و اردشیر پور پاک به پایان رسانید.
۳۹. شهرستان استخر را اردوان شاه پهلویان (اشکانیان) ساخت.
۴۰. شهرستان دارا بگرد را دارا پور دارا بنا کرد.
۴۱. شهرستان بیشاپور^{۷۰} (وه شاپور) در فارس را شاپور پور اردشیر ساخت.

۵۳. شهرستان کاشغر^{۸۵} را بهرام پسر یزدگرد (بهرام پنجم گور) ساخت.
- د: در سوی آنورپانتکان^{۸۶} = در ناحیه آذربایجان
۵۴. در ناحیه (جانب) آذربایگان، شهرستان گنجه^{۸۷} را افراسیاب تورانی ساخت.
۵۵. شهرستان آذربایجان را ایران گشتاسب^{۸۸}، سپهد آذربایجان بنا کرد.
۵۶. شهرستان وان را وان^{۸۹} را دختر بلاش (ولخش، ولگش) بنا کرد و به زنی کیقباد درآمد و ...

۴۲. شهرستان گور- اردشیر خوره را اردشیر پور پاک ساخت.
۴۳. شهرستان توزک^{۷۱} را همای چهار آزاد^{۷۲} (چهرزات) بنا کرد.
۴۴. شهرستان هرمزد اردشیران و شهرستان رامهرمز را هرمزد نکاور پور شاپور ساخت.
۴۵. شهرستان شوش و شوشتر را شوشین دخت (شیریندخت)، زن یزدگرد، پور شاپور ساخت؛ زیرا او دختر رش گلسوتا^{۷۳} (رأس الجالوت)، شاه یهودیان و مادر بهرام گور (بهرام پنجم) بود.
۴۶. شهرستان ویه اندیو شاپور^{۷۴} (جنیدشاپور) و شهرستان ایران خوره کردشاپور را شاپور پسر اردشیر ساخت و آن را پلاپات^{۷۵}

۵۷. شهرستان آموی^{۹۰} را ماننی زندیک (زندیق) و مزدک مرگبار ساخت.
 ۵۸. شهرستان ری را آمورد^{۹۱} زنگی که کشتار بسیار کرد، بنا کرد ...

۵۹. شهرستان بغداد را ابو جعفر (عبدالله منصور) که او را ابودوانیق خوانند، بنا کرد.



زیرنویس:

- | | | | |
|---|---|--|---|
| 82. Gay (jāy) | 54. Patiskhwargar (ناحیه ای در کوهستانهای طبرستان و مازندران) | 25. Sanjapik | ۱. رییکا، یان: تاریخ ادبیات ایران |
| 83. Šušin dokht | 55. Vismakān – Damawand | 26. Bayghukhān | ترجمه عیسی شهابی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴، ص ۸۴-۸۵. |
| 84. Eran – Assān – Kart – Kavadh | 56. Behistun | 27. Gōharm Tuzā | 2. Colpe. C: WbM Sp. 177+Nyberg, H. S.: A Manual of Pahlavi, S. 113-17. |
| 85. Kasgar (= Askar) | 57. Dinaran | 28. Norssihuahutakān | 3. Henrik Samuel Nyberg |
| 86. Aturpatakān | 58. Musserkān | ۲۹. مراد بهرام پنجم ملقب به گور است (۴۲۰-۴۳۸ میلادی) مراد بهرام پنجم ملقب به گور است | 4. A Manual of pahlavi . 5. Wiesbaden |
| 87. Ganjak | 59. Belučān | 30. Puhl – i Pusang – i vičir | 6. Otto Harassou thic, 1964. |
| 88. Erān – Gōšnasp | 60. Marinjān | 31. Tus – i Nutārān | 7. Manuskript (MSK= علامت اختصاری) |
| 89. Vān | 61. Mussil | 32. Zarēr | 8. Abu Djāfar (Kalif von Abbassiden-Dynastie) |
| 90. Amuy | 62. Almetus | 33. Bastwar | 9. Gōtarzes |
| ۹۱. نامی موهوم است. «آمورده» به معنای «آمل» آمده است. نگاه کنید به Nyberg, پیشین 144. S. | 63. Rukhat= (همان رُحج است) آراخوزیا) | 34. Karazm | 10. Pirān |
| | 64. Rahām | 35. Palizak-i Tur | 11. Hyun (Hunnen) |
| | 65. Aspurač | 36. Kāyen | 12. Turyā |
| فهرست منابع | 66. Bast | 37. Kumes (Kumis) | 13. Denkart |
| ۱. خدادادیان، اردشیر: پیشینه زبان و ادبیات پهلوی، مجله بررسی های تاریخی، ۱۳۵۵، شماره ۶ سال ۱۰۲. | 67. Farah | 38. Čul | 14. Ayatkār – e Zarerān |
| ۲. رییکا، یان: تاریخ ادبیات ایران، ترجمه دکتر عیسی شهابی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴. | 68. Zarang | 39. Gayestān | 15. Edgar Blochet |
| ۳. مشکور، محمدجواد: جغرافیای تاریخی ایران باستان، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۱. | 69. veh Ardasir | 40. Hosrow – Mōstābād | 16. James Darmesteter |
| ۴. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۳. | 70. Bisapur | 41. Hosrow – šād | 17. Šušin dōkht |
| 5. Nyberg, H. S.: A Manual of Pahlavi, Wiesbaden 1964. | 71. Tuzak | 42. Vispsād Hosrow | 18. jivānii Jamsjdji Mōdi |
| 6. Colpe, c. (Hrsg): Wörterbuch der Mythologie(WbM), Stuttgart 1975. | 72. Čihrzat | 43. Šād Farrokh Hosrow | 19. Josef Markwart |
| | 73. Res – Galutā | 44. Hosrow Pur-i Kawadh | 20. Kaywūs – i Kawā tān (دومین پادشاه سلسله کیانی) |
| | 74. Vehandiv Šāpur | 45. Garaz – e Gipakān | 21. Syawakhs – i Kaywussān |
| | 75. Pel- apāt | 46. Varaz-e Gipakān | 22. Vestāsp šah |
| | 76. Nahr tirak (Vahrtirak) | 47. Orhaa | 23. Gujastag sukandari Hrumayik |
| | 77. Samrān | 48. Narssi – hi – Askānān | 24. Frassiāk – i Tur |
| | 78. Massur | 49. Babil | |
| | 79. Arasp | 50. Hirat | |
| | 80. Usak | 51. Mithrzāt | |
| | 81. Hagar | 52. Hamadān | |
| | | 53. Nihavand | |